

زمین سیاره ای است از منظومه شمسی، با حدود ۵ میلیارد سال عمر که ۹۳ میلیون میل از خورشید فاصله دارد. حرارت درونی آن، با هر کیلومتر که در عمق آن فرو رویم حدود ۲۰ صدم درجه افزایش می یابد و در اعماق سیانی آن به بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ درجه می رسد. وزن آن ۶۰۰۰ میلیون تن، حجمش ۲۶۰ هزار میلیون میل مکعب، مساحت آن ۵۱۰ میلیون کیلومتر مربع و زمان چرخش آن به گرد محور خویش ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه و ۴ ثانیه است.

هست و خواهد بود. ای ژئوس، به یاری توست که زمین بارور می شود و ما او را مادر راستین خود می نامیم.^۱
ارمنیان بر آن اند که زمین شکم مادرانه ای است که مردم از آن زاده می شوند. یکی از پیامبران هندی پیروانش را نصیحت می کند و آنان را از خراشیدن زمین باز می دارد: «خطاست که زمین- مادر مشترکمان- را با زراعت مجروح سازیم یا پیکرش را ببریم یا پاره پاره کنیم. از من می خواهید که زمین را بخرام؟»

● جان صدقه

● مترجم: محمدرضا ترکی

اسطوره شناسی ۲

زمین در

دقیقه و ۴ ثانیه است.

سرعت چرخش زمین به گرد خورشید ۱۰۷۰۰ کیلومتر در ساعت و به گرد خویش، در اکتادور ۱۶۷۴ و در پاریس ۱۱۰۰ کیلومتر در ساعت است.

آیا می توانم شکم مادرم را با خنجر زخمی کنم؟ وقتی بمیرم زمین مرا در شکم خود جای نخواهد داد. آیا از من می خواهید گیاهان را قطع کنم؟ چگونه می توانم گیسوان مادرم را ببرم؟ همین جا یادآور شویم که برخی از اقوام عقیده دارند که زمین از کندن گیاهان متالم می شود، همان گونه که اگر موی سر و صورت شخصی را بکنند احساس درد می کند.

ستاره شناسان پیش بینی می کنند که زمین صدها میلیون سال دیگر از بین می رود، چون ماه اندک اندک به زمین نزدیک می شود و سرانجام، تصادم ماه و زمین به نابودی آنها خواهد انجامید. دانشمندان به امکان ساختن وسیله ای برای زندگی در فضا یا استقرار در سیارات دیگر می اندیشند تا از این رهگذر امکان زندگی نوینی برای انسان فراهم کنند.

قبایل Les Votiahs عادت دارند در فصل پاییز - وقتی زمین به خواب می رود- قربانیانی تقدیم کنند و آنها را در حفره ای در زمین قرار دهند.

قبایل Les Tcherem isses عقیده دارند که زمین غالباً بیمار است، لذا از نشستن بر زمین پروا می کنند.

زمین- مادر
بر اساس اساطیر، زمین موجودی همتا با خویش- یعنی آسمان- را آفرید تا جایگاه خدایان نیک باشد. و این دو- زمین و آسمان- خانواده گسترده خدایان و دیگر موجودات اساطیری را آفریدند، و این نخستین ازدواج و پیوند در عالم هستی بود.

برعکس اقوام دیگر، ساکنان «کوکار» و برخی مناطق چین، نشستن روی زمین را سودمند می دانند، از این روست که زنان این مناطق در هنگام احساس درد زایمان روی زمین می نشینند.

قبل از پیدایش رابطه دوجانبه زمین- مادر، زمین نیرویی آفریننده بود، دارای اعضای تناسلی دوگانه. زمین، در آیین های گوناگون از ویژگی اساطیری شگفتی برخوردار است. در یونان، هومر در یکی از سروده هایش می گوید: او زمین است که می سرایم / مادر هستی / ای زمین که می توانی به مردگان زندگی ببخشی / و آنان را در بر بگیری / خوشا آن کسی را که با بخشش در بر بگیری ... /

در زولاند نو زنان قبایل Maori فرزند خود را در کنار نهری که در بیشه جاری است قرار می دهند.

عادت به زایمان در بیشه را در میان بسیاری از قبایل افریقایی می بینیم. زنان تمامی این قبایل در هنگام زایمان، به پشت روی زمین دراز می کشند. این کار در استرالیا، در شمال هند و آمریکا و در برزیل نیز رایج است. دانشمندانی که در زمینه ادیان باستانی تحقیق می کنند، معتقدند که این عادت احتمالاً در یونان و روم نیز رایج بوده و بعدها کم کم از میان رفته است.

علاوه بر هومر، قهرمانی چون «آشیل» نیز زمین را می ستاید و می گوید: زمین همه کائنات را می آفریند و می رویاند و آن گاه دانه سرسبزی را از آن باز می گیرد.

آگاهان، نقوشی از «الهه ولادت» را در حالت خمیده- درست مثل حالت زنی که روی زمین زایمان می کند- یافته اند.

پوزانیاس (Pausanias)^۱ یادآور می شود: «ژئوس بود،

در مصر باستان «نشستن روی زمین» به معنی فارغ شدن زن بوده است. اندیشه هایی وجود دارد که می گوید انسان از زمین و

همین منظور بر زمین ریخته شده به وجود آمده است .
برخی آیین ها معتقدند که زمین حامی کودکان است و منبع
همه نیروها . بر اساس این عقیده زنان فرزندان خود را وقف
زمین می کنند . عقایدی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه زمین انسان
را در برابر مرگ حمایت می کند . در اینجا به متنی از ریگ ودا
اشاره کنیم که خطاب به مرده می گوید : به سوی زمین - مادرت -
برو ، باشد که تو را در برابر عدم یاوری کند .

از خاک زاده می شود . میتولوژی چهار مفهوم را در زمینه خلقت
انسان نشان می دهد : اندیشه نخست می گوید : نخستین انسان ،
مانند گیاه از زمین رویید ؛ بر اساس دومین مفهوم خدایان انسان
را از خاک آفریدند و مجموعه ای از خدایان دیگر به او قلب و
زندگی بخشیدند . سومین اندیشه اسطوره ای معتقد است که ایزد
بانوی ^۱ARUFU آفریدگار انسان است و چهارمین اندیشه که
سیمایی بابلی دارد ، می گوید : انسان از خون خدایانی که به

سااطیر کهن



در یونان قدیم، به عنوان مثال، کودکان سرراهی را روی زمین رها می کردند تا زمین به آنان عنایتی کند و سرنوشت زندگی یا مرگ آنان را معلوم دارد. در برخی آیین ها، مردگان معمولی را می سوزانند، ولی کودکان مرده را به خاک می سپارند، به این امید که بار دیگر به بطن زمین - مادر باز گردند و بار دیگر به دنیا بیایند. آنان کودک مرده را به حالتی در گور قرار می دهند که شبیه حالت کودک در شکم مادر است. در برخی آیین ها خائنان را در زمین دفن نمی کنند، چون معتقدند این قبیل افراد شایستگی آن را ندارند که در سلامت بیارامند.

زمین - زن

در بسیاری از تمدن‌ها، بویژه در ادبیات بومی اروپا، زن را به زمین تشبیه می کنند. در یک متن ودایی، زمین به زهدان زن تشبیه شده است و مرد به کشاورز. در یک ترانه عاشقانه مصری قدیمی، عروس به دلدادۀ خویش می گوید: «من زمینم»^۱. در اساطیر، زن نازا به زمین سترون تشبیه شده است. سرودی مربوط به قرن دوازدهم، حضرت مریم را به زمین سبز تشبیه کرده است. در متون اسلامی نیز زن کشتزار نامیده شده است.^۲

در اوگاندا، زن نازا را تهدیدی برای زراعت زمین می شمارند و شوهر به همین خاطر می تواند او را طلاق دهد. این عقیده در هندوستان نیز رواج دارد. در برخی از ادیان، عقیده دارند که اگر زن باردار زمین را بکارد، محصول آن فوق العاده خواهد بود. در شمال ایتالیا معتقدند که هر کاری که زن باردار انجام دهد به ثمر می نشیند؛ همان گونه که رشد طفل در شکم او با موفقیت همراه است.

در روسیه شرقی، عادت رایجی وجود دارد که زنی برهنه پاشیدن بذر در مزرعه را بر عهده می گیرد. در برخی از ادیان، زنان، بذرها را در درون کفش زنی روسپی یا در جورابهایی که دور ریخته شده به مزرعه می برند، این کار می تواند، به واسطه ملاقات زمین با نیرویی که به وام می گیرد باعث افزایش باروری

آن شود.

در استونی زنان را وادار می کنند که بذرها را به کشتزارها ببرند و می گویند: تربچه ای که به دست زن کاشته می شود خوشمزه می شود و آنچه مرد می کارد بدطعم!

در سوئد تنها زنان بذرها را به کشتزار منتقل می کنند و در آلمان این وظیفه بر عهده زنان همسر دار، بویژه زنان باردار نهاده می شود.

رابطه باروری زمین با نیروی زنانه از احساسات اساسی شمرده می شود که می توان آن را «وجدان زراعی» نامید.

در فنلاند و استونی، مزرعه ها را شبانه و در حالتی که برهنه اند می کارند و فریاد می زنند: خدایا من برهنه ام، به کشته ام برکت ببخش!

در هند، زنان هندو، در فصل خشکسالی، ارابه ای را با تن برهنه به سوی مزارع می کشند.^۳

در چین

در چین، زمین به معنای نیرو، صلح، زن پرستار و آموزگار است. از زمین است که انسان و خدایان نقطه اتکا و راه درست را می یابند. زمین در نظر آنان زادگاه همه اشیاست و همه گنج ها را دل خود نهفته دارد.

در گذشته، زمین در چین رتبه دوم را داشت و امپراتور، شخصاً هیچ قربانی را به خدای زمین هدیه نمی کرد، بلکه این وظیفه را به امرای محلی وا می گذاشت تا به تکریم خدای زمین و خدایان زراعی و کوهها و رودها در منطقه خویش اقدام کنند.

در چین رمز خدای زمین، در آغاز، درختی بود که روی تپه روئیده بود، سپس این درخت جایش را با یک سنگ عوض کرد و چندی بعد به یک میز کوچک چوبی تبدیل شد که رئیس یک ایالت یا یک امیر آن را، هنگامی که به جنگ می رفت، با خودش می برد.

خدایان زمین در چین در یک سطح نبودند، بلکه خدای ایالت قوی تر، از خدایان مناطق دیگر مهم تر شمرده می شد، اما همگی خدایان درشت و خشن و مظهر اخلاص و امانت داری



فئودالی بودند. در کنار هر خدای زمین یک خدای درو نیز وجود داشت که قربانی کردن برای آنها، نماد امپراتوری، امارت یا میهن بود.

در کنار خدایان اصلی زمین، یک سلسله خدایان محلی نیز برای کوهها و رودها وجود داشت که امیران و رؤسا و پادشاهان آنها را گرامی می داشتند، و خدایان کوچک خانوادگی نیز بود، مانند خدایان منزل، و خدایان چاه ها.

در یکی از سرودهایی که به زمین تقدیم می کردند آمده است: «همه چیز پشتیبان زمین است: حقیقت بزرگ، قانون دقیق، راز، حمیت، نماز و قربانی / ای زمین، ای بانوی آنچه هست و خواهد بود، گرامی باش و جایی در دوردست به ما ببخش / ما را از رنجی که فرمان گرفته است نجات بده / زمین فراز و نشیب ها و سواحل و دستهای دوردستی دارد و بر آن گیاهانی بسیار سودمند می روید / گرامی باش ای زمین و برای ما گسترده و تابان گرد / آنها دارایی تو اند ای زمین و دریاها و رودها / خدایان بر سطح تو جاودانگی یافتند و هر تنابنده ای زندگی می یابد / گرامی باش ای زمین و به «سوما» برکت ببخش / چهار سو از آن توست، بر سطح تو خوراک یافت شد و زراعت آغاز گشت / بر روی تو هر جنبنده ای زندگی می کند / گرامی باش و به گاوها و کشتزارهای ما برکت ببخش ... /

در مسیحیت

در مسیحیت، زمین به معنای هستی و نظام فضائی و جهان است. زمین یگانه وسیله فعال برای انتخاب نجات و تجلی نجات است، چون اگر نجاتی هست در زمین است و هیچ انتخاب انسانی - الهی نیست مگر از رهگذر زمین و به واسطه آن. زمین در آخرالزمان نابود نمی شود و از بین نمی رود، بلکه مبدل می شود... زمین پس از آفرینش کامل نشده است، بلکه عمداً به صورت ناقص ساخته شده تا انسان همبای رشد و نمو خویش آن را کمال ببخشد، لذا زمین همواره همراه انسان و بخشی از وجود اوست. از یک مسیحی خواسته شده که راز

زمین و سرشت روحی یا الهی آن را کشف کند تا در راه تکامل زمین و زیبایی آن بکوشد؛ چون زمین یگانه وسیله تجلی خداوند و نجات انسان است.

حواشی مترجم

* ترجمه فصلی از: رموز و طقوس، دراسات فی میثولوجیا القدیمة، ریاض الریس للکتب والنشر، لندن، ۱۹۸۹م

۱. پوزانیاس: مورخ و جغرافیدان یونانی در قرن دوم میلادی. اثر او در توصیف یونان، یکی از مآخذ باستان شناسان در شناخت یونان باستان است.

۲. «ارورو» از نامهای الهه سومری «بنهورساح» الهه مادر است. نام او در داستان گیلگمش آمده است. رگ: مجمع الحضارات السابیه.

۳. در اسلام، زمین مبدأ آفرینش انسان است و «چون خدای تعالی خواست که آدم را علیه السلام بیافریند، جبرئیل را علیه السلام فرمود که به زمین رو و قبضه ای خاک از جمله روی زمین بردار که من از آن خلیفتی خواهم آفرید... آن گاه خدای تعالی بر آن خاک آدم، علیه السلام، چهل روز باران اندوهان بارانید تا آغشته گشت، آن گاه یک ساعت باران شادی بر آن بارانید...» (تقصص قرآن مجید، به اهتمام یحیی مهدوی، خوارزمی، ص ۴ و ۵). عارفان مسلمان زمین را تبعیدگاه اولاد آدم (ع) می دانند و حافظ از آن با نام «دیر خراب آباد» یاد می کند:

من ملک بودم و فردوس برین حلیم بود

آدم آورد در این دیر خراب آباد

عارفان همواره حقارت زمین را در برابر هستی یادآور شده اند، شیخ محمود شبستری در گلشن راز می گوید:

زمین در زیر این نه طاق مینا

چو خشخاش بود بر سطح دریا

نگر تا خود از این خشخاش چندی

سزد بر سبقت خود گر بختی

قرآن، انسانها را به سیر در زمین و مشاهده آیات الهی و سرگذشت پیشینیان فرا می خواند. با تأمل بایسته در موارد استعمال واژه «ارض» که به فراوانی در قرآن کریم به کار رفته است، می توان با دیدگاههای اصیل اسلام در این باب آشنا شد.

۴. در آیین زرتشتی زمین مقدس است و ایزد زمین غالباً با صفت «نیک کنش» یاد شده است. در فرگرد سوم و نبدیداد (فقره ۲۴) آمده است: زمین ناشاد است اگر مدت زمانی شیار نشده و با اثر بماند؛ مانند زن زیبا اندامی که مدت ها از فرزند بی بهره مانده و آرزومند مردی است، زمین با اثر نیز آرزومند شخم و شیار برزیگری است. در آیین «سیندار مذ» فرشته نگهبان زمین، دختر اهورامزداست و او را «مادر زمین» خوانده اند. این بیت هم از فردوسی است:

سیندارمذ پامستان تو باد ز خرداد روشن روان تو باد

با توجه به اشتقاق لغوی، واژه «زامیاد» در «زامیاد پشت» باید به معنی فرشته زمین باشد، برای توضیحات کامل تر رگ: پورداود، پشت ها، انتشارات دانشگاه تهران،

ج ۱، ص ۹۳-۹۴؛ ج ۲، ص ۳۰۳-۳۰۷. (مترجم)